

بررسی مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری و نظام اقتصاد اسلام در مورد حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست مهدي اسفندیاری، محمدرضا زارع مهرجردی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۱

چکیده

این مقاله با هدف بررسی مبانی دو نظام اقتصاد سرمایه‌داری و نظام اقتصاد اسلام در رابطه با حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست با استفاده از رویکردی تحلیلی و توصیفی، به رشته تحریر درآمده است. اصالت آزادی (لیبرالیسم) اقتصادی که از دو اصل اصالت فرد و آزادی فردی تشکیل می‌شود، معرفی شده است. این دو اصل به عنوان پایه‌ترین پایه‌های علم اقتصاد متعارف، افزون بر معیار پارتو (که مبنای بسیاری از تصمیم‌گیرهای اقتصادی است)، چالش‌های زیست محیطی بسیاری را ایجاد کرده است. با توجه به اینکه راهکارهای اقتصادی رایج که به منظور جلوگیری از ایجاد آسیب‌های زیست محیطی استفاده شود و از آنجا که راهکارهای متعارف برای جلوگیری از نابودی منابع طبیعی و تخریب محیط زیست به تنهایی کافی نیستند، با بررسی نهادهای ارزشی نظام اقتصاد اسلام (به روش تحلیل منطقی) که مصالح فرد و جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد، این نتیجه بدست آمد که نهادهای نظام اقتصادی اسلام می‌تواند با کاستن از اثرگذاری خارجی منفی زیست محیطی، تحقق توسعه پایدار و استیفای حقوق انسانی، بستر مناسبی را برای محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست فراهم کند.

طبقه‌بندی JEL: P10, P40, Q01

واژه‌های کلیدی: منابع طبیعی و محیط زیست، اثرگذاری‌های خارجی، نظام اقتصاد سرمایه‌داری، نظام اقتصاد اسلام

^۱ به ترتیب: بترتیب دانشجوی دکتری و دانشیار بخش اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان
Email: m.esfandiari64@yahoo.com

مقدمه

منابع طبیعی و محیط زیست از نعمت‌های خدادادی است که استفاده‌ی شایسته از آن‌ها باعث رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی می‌شود، در مقابل استفاده نادرست، پیامدهای ناگواری را به دنبال داشته و آفتی برای اصل رشد و توسعه اقتصاد شمرده می‌شود (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۵). همچنین تردیدی نیست برخلاف نظر برخی اقتصاددانان، علم اقتصاد تنها بر مبنای مفهوم عقلانیت سیاسی بنا نشده و عقلانیت فنی و عقلانیت اخلاقی نیز در آن مؤثر می‌باشند. به عنوان مثال، متخصصان اقتصاد زیست محیطی سعی دارند تا نشان دهند که برخلاف دیگر اقتصاددانان، علم اقتصاد در نظر آنان تنها به مفهوم جریان پول در نظام‌های اقتصادی و عقلانیت مادی فردی کوتاه مدت نمی‌باشد.

علم اقتصاد درباره راه‌های توزیع منابع کمیاب بین هدف‌ها (خواسته‌ها و نیازها) رقیب بحث می‌کند. با توجه به اینکه در نظام‌های اقتصادی دیدگاه‌های بسیاری وجود دارد که چگونگی توزیع منابع بین افراد را از منظر هنجاری مورد توجه قرار می‌دهد، امکان الحاق هریک از این دیدگاه‌ها به الگوی اقتصادی وجود دارد. اگرچه برخی دیدگاه‌ها وانمود می‌کنند که از داوری‌های ارزشی اجتناب می‌نمایند، اما همان‌طور که گونار میردال (۱۹۷۴) برنده جایزه نوبل اقتصادی می‌گوید، داوری‌های ارزشی به طور گسترده در اقتصاد استفاده شده است. این ارزش‌ها و هنجارها که زیربنای فعالیت‌های اقتصادی می‌باشند، تاثیر مستقیمی بر چگونگی تعامل انسان با منابع طبیعی و محیط زیست دارد. بنابراین مبانی متفاوت نظام‌های اقتصادی (از جمله نظام اقتصاد سرمایه‌داری و نظام اقتصاد اسلام)، نتایج گوناگونی را در رویارویی با منابع زیست محیطی به بار می‌آورد.

از جمله مهم‌ترین بررسی‌ها در این زمینه، می‌توان به مطالعه یوسفی (۱۳۸۹) اشاره کرد که به بررسی تطبیقی اقتصاد تعاونی با اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی پرداخته است. در این پژوهش که به روش تحلیلی توصیفی انجام شده است، با مقایسه آموزه‌های اقتصاد تعاونی با نظام سرمایه‌داری مشخص می‌شود که اقتصاد تعاونی با نظام سرمایه‌داری به لحاظ مبانی، کارکردی و نیز نتیجه‌های به دست آمده، تفاوت‌های پایهی دارند. به گونه‌ای که آن دو را می‌توان دو نظام اقتصادی به طور کامل متباین دانست اما میزان دوری آن از آموزه‌های اسلامی به مراتب کمتر است. فراهانی‌فرد (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای به روش تحلیلی مالکیت منابع طبیعی را از نظر فقیهان مطالعه و شیوه‌های بهره‌برداری از منابع طبیعی را بیان کرده و ضمن برشمردن نقاط قوت و ضعف هر یک از آن‌ها موضع نظام اقتصادی اسلام را در این باره بیان کرده است. در این بررسی بیان

بررسی مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری ۱۹۳

شده است که در نظام حقوقی اسلام با توجه به ترسیم دولتی توانمند بر پایه حکومت ولایی، مالکیت اولیه بخش شایان توجهی از منابع طبیعی تحت مالکیت دولتی یا تحت نظارت او قرار داده شده است. با وجود این، نهادها و راهکارهای گوناگونی در این نظام برای استفاده بخش خصوصی از منابع مشخص شده است. مولن و مولینگ^۱ (۲۰۱۳) در تحقیقی دیگر، بیان می‌کنند که درگیری‌های پایه‌ی بین روش‌های استاندارد اقتصادی و اصول اخلاقی اقتصاد محیط زیست وجود دارد. در این بررسی با در نظر گرفتن ارزش ذاتی و مفاهیم بوم‌شناختی (اکولوژیکی) برخی عناصر پایه‌ی تفکرهای اقتصادی را مورد بحث قرار می‌دهند. نتایج این مطالعه بیان می‌کند که یک مفهوم مالکیت اصلاح شده می‌تواند برخی از درگیری‌های مشترک منافع اقتصادی و محیط زیستی را حل و فصل کند.

با توجه به موارد بالا و همچنین اهمیت منابع طبیعی و چگونگی نحوه بهره‌برداری از آن در جهت رشد و توسعه اقتصادی، این مقاله حاضر با هدف بررسی مبانی دو نظام اقتصاد سرمایه‌داری و نظام اقتصاد اسلام در رابطه با حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست، نشان می‌دهد که چالش‌های موجود در این زمینه، نخست حاصل مبانی ارزشی و نوع نگرش اقتصاد نئوکلاسیکی به انسان و سعادت اوست. بنابراین برای حل بنیادی این چالش‌ها، چاره‌ای جز اصلاح نهادهای ارزشی و اخلاقی نیست. دوم اینکه نهادهای ارزشی موجود در نظام اقتصادی اسلام می‌تواند بستر مناسبی برای حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست فراهم آورد.

روش تحقیق

در این پژوهش می‌توان موارد ذیل را به عنوان فرضیه‌های اصلی تلقی کرد.

۱. چالش‌های موجود در زمینه‌ی حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست، نتیجه نوع نگرش و مبانی نظام اقتصاد نئوکلاسیکی به انسان و سعادت اوست.
۲. آموزه‌های ارزشی موجود در نظام اقتصادی اسلام می‌تواند بستر مناسبی برای حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست فراهم آورد.

روش تحقیق، توصیفی تحلیلی و با گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد. یعنی با بررسی و تجزیه تحلیل مبانی اقتصاد سرمایه‌داری و اسلامی و بهره‌گیری از روش تحلیل منطقی، اهداف

¹ Mullen and Molling

مقاله دنبال می‌شود، به طوری که ابتدا مبانی هر دو نظام بیان می‌گردد و سپس با انتقاد از برخی مطالب به نتیجه‌های منطقی اشاره می‌شود.

نهادهای ارزشی هنجاری در نظام اقتصاد سرمایه‌داری

سرمایه، زمین و نیروی کار، عامل‌های اصلی تولید در نظام سرمایه‌داری هستند که سهم صاحبان آنها از درآمد ناشی از تولید، با سازوکار بازار و از طریق نرخ بهره، اجاره و سود تعیین می‌شود. همچنین لیبرالیسم اقتصادی مهم‌ترین اصل فکری و فلسفی نظام اقتصادی سرمایه‌داری است که از دو اصل اصالت فرد و آزادی فردی تشکیل می‌شود (نمازی، ۱۳۸۶). بر این پایه هسته و محور اصلی اجتماع، فرد می‌باشد که دارای وجود حقیقی است. بنابراین جامعه فاقد وجود حقیقی تلقی می‌شود؛ زیرا اجتماع چیزی جز مجموع تک تک افراد نیست و از این‌رو وجود اعتباری دارد. پس فرد و منافعش بر اجتماع و مصالحش اولویت دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸). افزون بر این چون وجود فرد به لحاظ تاریخی هم مقدم بر اجتماع تلقی می‌شود، بنابراین حقوق و خواسته‌های او، به لحاظ تاریخی هم مقدم بر اجتماع است؛ بنابراین حقوق و خواسته‌های او، به لحاظ اخلاقی مقدم بر خواسته‌های جامعه است و بدین ترتیب مبانی فردی و سودجویی شخصی جایگزین ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی می‌شود. لیبرالیسم اقتصادی نتایج ذیر را از آزادی فردی، عدم مداخله و نبود اجبار حاصل کند:

الف- تحقق مصالح عمومی از طریق رقابت ب- ایجاد انگیزه فردی و رشد تولید و رفاه عمومی
ج- ارضای نیاز ذاتی انسان به آزادی. به دنبال شرایط وخیم اقتصادی که در نیمه اول قرن بیستم میلادی ایجاد شد، تناقض‌های این نوع نگرش‌ها آشکار شد. این تناقض‌ها هنگامی بروز کرد که آزادی بیشتر فرد به خوشبختی اجتماعی منتهی نشد و در پس آن پرسش در اذهان شکل گرفت که در این شرایط چه باید کرد؟ (نمازی، ۱۳۸۶).

بنام^۱ (۱۷۴۸-۱۸۳۲) با آغاز از فردگرایی لیبرال، هدف اصلی را رسیدن به خوشبختی یا لذت می‌دانست. او باور داشت که آزادی تا جایی پسندیده است که وسیله‌ای در خدمت تحقق خوشبختی باشد. بدین ترتیب هدف سودجویی، جایگزین آزادی شد. بر این پایه تنها هدف و انگیزه زندگی، کوشش برای رسیدن به مطلوبیت است؛ بنابراین رفتار و ارزش‌های اخلاقی تنها هنگامی به رسمیت شناخته می‌شوند که برای افراد اجتماع مطلوبیت ایجاد کند. بر مبنای اصل

¹ Bentham

بررسی مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری ۱۹۵

آزادی نیز مالکیت فردی بر منابع طبیعی امکان‌پذیر است و بهره‌برداری از آن از راه به کارگیری سرمایه و نیروی انسانی صورت می‌گیرد (نمازی، ۱۳۸۶).

همگام با داوری‌های ارزشی نظام سرمایه‌داری، معیاری برای سنجش کارایی تخصیص منابع پایه‌گذاری شد که به افتخار ویلفردو پارتو، به نام معیار پارتو^۱ نام‌گذاری شد. بر پایه این معیار، یک تخصیص منابع هنگامی کارا است که بتوان وضع حداقل یک نفر را بهتر کرد بدون آنکه وضع دیگران بدتر شود (پرمن و همکاران ۱۳۸۲). بنابراین معیار، برای دستیابی به تخصیص کارآمد منابع، برقراری شروط کارایی در مصرف و تولید ضروری است.

مطلوبیت گرایی، عامل ایجاد اثرگذاری‌های خارجی منفی زیست محیطی

تولید یا مصرف، بعضی از کالاها و خدمات، غیر از هزینه یا فایده‌ای که برای تولید کننده یا مصرف کننده دارد، ممکن است هزینه یا سودی برای فرد یا بنگاه دیگر هم داشته باشد، که به آن اثر خارجی می‌گویند. به عبارتی دیگر اگر تولید و مصرف کالایی به غیر از کسانی که درون آن بازار هستند سود یا زیان برساند به این پدیده اثرگذاری‌های جانبی (مثبت و منفی) گفته می‌شود. (پاسبانی، ۱۳۸۷). این مسئله را اول بار پیگو^۲ در سال ۱۹۰۱ به یک شمشیر دو لبه تشبیه کرد که نه تنها سودآوری‌ها بلکه هزینه‌ها را نیز شامل می‌شود (سوری و ابراهیمی، ۱۳۸۵). در صورتی که تولید کالای X به ایجاد یک اثرگذاری خارجی منجر شود، شرط کارایی در تولید تغییر کرده و به صورت زیر در می‌آید: (X و Y نشان دهنده دو کالا برای مصرف کنندگان و L و K دو عامل کار و سرمایه می‌باشند)

$$\left[\frac{PMP_L + EMP_L = SMP_L}{PMP_K + EMP_K = SMP_K} \right]^X = \left[\frac{MP_L}{MP_K} \right]^Y$$

که PMP، EMP و SMP به ترتیب عبارتند از: بهره‌وری نهایی خصوصی عامل تولید، بهره‌وری نهایی خارجی عامل تولید و بهره‌وری نهایی اجتماعی عامل تولید. اثرگذاری خارجی مثبت سبب افزایش رفاه و اثرگذاری خارجی منفی سبب کاهش رفاه می‌شود؛ اما در شرایط معمول؛ سازوکار بازار نمی‌تواند این افزایش یا کاهش رفاه را عاید فرد یا بنگاه مورد نظر کند، یعنی چنانچه فعالیت یک بنگاه تولیدی دارای اثر خارجی مثبت باشد، تولید کننده سود نمی‌برد و چنانچه دارای اثرگذاری خارجی منفی باشد. هزینه‌ای بر او تحمیل نمی‌شود و از این‌رو در شرایط وجود اثرگذاری

1 Pareto criterion
2 Pigou

های خارجی مثبت فرد یا بنگاه در سطحی کمتر از سطح بهینه اجتماعی مصرف یا تولید می‌کند و در شرایط اثرگذاری های خارجی منفی، مصرف یا تولید بیش از حد بهینه اجتماعی است و از همین رو شرط کارایی در تولید تحقق نمی‌یابد. در این شرایط است که امکان دخالت دولت مطرح می‌شود تا با اقدام های خود، تخصیص کارآمد منابع و سطح بهینه اجتماعی را محقق سازد (پرمن و همکاران ۱۳۸۲).

به منظور درونی کردن (Internalizing) اثرگذاری های خارجی منفی زیست محیطی (که توسط پیگو و رونالد کوز در سده بیستم مطرح شد) راهکارهای اقتصادی چندی به اجرا در می‌آید که مهم‌ترین آنها عبارت اند از :

۱. مالیات بر آلودگی: این ایده نخستین بار توسط پیگو در سال ۱۹۲۰ میلادی مطرح شده (ترنر و همکاران، ۱۳۷۹). او پیشنهاد کرد که فرد یا بنگاه ایجادکننده آلودگی بر پایه میزان آسیب و زبانی که به دیگران و محیط زیست وارد می‌کند مالیات بپردازد. گرفتن مالیات به اندازه هزینه خارجی، برای رسیدن به حد تولید کارا است و با گرفتن مالیات و کاهش تولید و رسیدن به سطح کارایی تولید، از آسیب و زیان های زیست محیطی نیز کاسته خواهد شد (رونالد کوز، ۱۳۸۵).

۲. مجوزهای تولید آلودگی که قابل مبادله می‌باشند: رونالد کوز با ارائه یک راه‌حل قانونی برای اثرگذاری های جانبی، بازار ایجاد کرد تا به شرط کم‌بودن هزینه مبادله یا صفر بودن آن، نیازی به دخالت دولت نباشد. یعنی برای پیامدهای مثبت و منفی، حق مالکیت قابل مبادله قایل شده و تأکید کرد که لازم است ضررها در برابر سودها ارزیابی شوند. قضیه کوز همچون بهینه‌سازی پارتو، مبتنی بر مفهوم استحصال مسودمندیت بیشینه‌ای از همه درآمدهای کسب و کار است.

در این روش در آغاز استاندارد آلودگی در سطح ملی تعیین می‌شود و آن گاه برای انتشار آلودگی تا یک حد معین مجوز صادر می‌شود و هر فرد یا بنگاه آلوده‌کننده، موظف است برای انجام فعالیت خود در مناطق صنعتی مجوز بگیرد. هر آلوده‌کننده‌ای که کمتر از میزان مجاز، محیط زیست را آلوده کند می‌تواند میزان باقی‌مانده از مجوز خود را به فروش برساند. به رغم بکارگیری راهکارهای اقتصادی چندی برای رویارویی با آلودگی‌ها و تخریب‌های زیست محیطی، تحقیقات نشان می‌دهد که روند گسترش آسیب های زیست محیطی رو به افزایش است. افزایش ۴ درصدی بروز سرطان پوست که ناشی از تخریب لایه اوزون است و همچنین گرم شدن کره زمین، همگی مؤید این مدعا است که سطح رفاه اجتماعی در حال کاهش است (ترنر و همکاران، ۱۳۷۹). بنابراین می‌توان این طور نتیجه‌گیری کرد که راهکارهای اقتصادی مورد استفاده برای دستیابی

بررسی مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری ۱۹۷

به سطح بهینه رفاه اجتماعی کفایت نمی‌کند، به همین دلیل شاهد گرایش به استفاده از ظرفیت آموزه‌های دینی و اخلاقی هستیم. در این ارتباط می‌توان به سخن تاپلفر، مدیر اجرایی محیط زیست سازمان ملل، پیرامون نقش مبانی ارزشی اخلاقی و اسلامی اشاره کرد که: «باور راسخ دارم، ارزش‌های معنوی جهان اسلام، بستر مناسبی برای اجرای برنامه‌های لازم برای حفظ آفریده‌های خدا و تنوع زیست محیطی است.» (سازمان حفاظت محیط زیست، ۲۰۱۴).

مطلوبیت گرایی، عامل ناپایداری توسعه

سال هاست که فعالیت‌های بی‌قید و شرط اقتصادی عامل مهم تخلیه و نابودی منابع طبیعی معرفی و نشان داده شده است که با افزایش این فعالیت‌ها، پایداری و انعطاف‌پذیری بوم سازگان (اکوسیستم‌ها) در معرض خطر قرار گرفته است. بنابراین عده‌ای بر آن شدند تا رشد و توسعه اقتصادی به وسیله ظرفیت‌های محیط زیست، محدود شود. منشاء نظریه محدودیت‌ها، در آرای متفکرانی چون مالتوس^۱ (۱۷۹۸) و ریکاردو^۲ (۱۸۱۷) قرار دارد.

مالتوس نگران محدودیت‌های مطلق بود. او باور داشت که با توسعه اقتصاد، رشد جمعیت سریع‌تر از رشد ابزار امراض معاش بوده و ایجاد وضعیت نابسامان اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. ریکاردو جنبه پیچیده‌تر و به نسبت خوشبینانه‌تری را مدنظر قرار داد. او محدودیت‌ها یا کمبود نسبی را بازدارنده اصلی رشد اقتصادی می‌دانست. در تحلیل او محدودیت‌ها در اثر بالا رفتن هزینه‌ها به وجود می‌آید زیرا منابع درجه یک (بهترین) اراضی کشاورزی و ذخایر کانی و ... که مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند به مصرف می‌رسند و باید با منابعی که به طور متوالی دارای درجه‌های پائین‌تری از ارزش هستند، جانشین شوند بنابراین با کاهش مرغوبیت منابع، هزینه‌های بهره‌برداری (به انضمام هزینه‌های آلودگی) افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه افزایش بی‌رویه فعالیت‌های اقتصادی، انعطاف‌پذیری و پایداری اکوسیستم را در معرض تهدید قرار می‌دهد، و از سوی دیگر، سلامت اکوسیستم‌های طبیعی برای تامین نیازهای نسل آتی و رفاه آنها ضروری است، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه تعریف خاصی از توسعه پایدار ارائه می‌دهد. بر طبق این تعریف توسعه پایدار توسعه‌ای است که ضمن تأکید بر عدالت بین نسلی، احتیاجات نسل حاضر را بدون آسیب زدن به توانایی نسل آتی در تأمین کردن نیازهای خود برآورده کند (ترنر و همکاران، ۱۳۷۹). به عبارت دیگر توسعه پایدار فرآیندی است که در آن مطمئن هستیم سطح رفاه بشر در بلندمدت

¹ Malthus

² Ricardo

کاهش نخواهد یافت. بر پایه این تعریف شرط توسعه پایدار این است که در فرایند آن انباشت سرمایه که شامل مجموع سرمایه‌های فیزیکی، سرمایه‌های علمی، سرمایه‌های انسانی و سرمایه‌های طبیعی است حفظ می‌شود (ترنر و کری، ۱۹۹۹). در واقع توسعه پایدار به این معناست که ثروت موجود را به نسل‌های آینده نیز منتقل کنیم (سوری و ابراهیمی، ۱۳۸۵).

در اینجا اصل پایداری را می‌توان بر دو قسم دانست: الف. اصل پایداری ضعیف: بر پایه این اصل، شرط لازم و کافی برای توسعه اقتصادی پایدار، حفظ میزان سرمایه کلی است و بنابراین رشد اقتصادی به شرطی می‌تواند ادامه یابد که در صورت استفاده از منابع طبیعی چون سوخت‌های فسیلی انواع دیگر سرمایه تشکیل و جایگزین آن شود تا مجموع سرمایه کل برای استفاده آیندگان کاهش نیابد. ب. اصل پایداری قوی: بر پایه این اصل میزان سرمایه طبیعی باید در طول زمان ثابت باشد و کل سرمایه‌های دیگر نیز باید ثابت بماند زیرا احتمال جایگزین شدن انواع دیگر سرمایه به جای سرمایه‌های طبیعی مانند لایه اوزون وجود ندارد و به عبارت دیگر، در فرآیند توسعه پایدار، سرمایه‌های طبیعی و دیگر سرمایه‌ها به عنوان مکمل یکدیگر مطرح می‌شوند و نه به عنوان جانشین یکدیگر (ترنر و همکاران، ۱۳۷۹).

از تعریف توسعه پایدار این طور برداشت می‌شود که در بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط زیست، نسل کنونی باید منافع و مصالح نسل‌های آتی را در نظر بگیرد. این معنا در دو اصل ضعیف و قوی عدالت بین نسلی نیز متجلی است. بر پایه اصل ضعیف عدالت بین نسلی،^۱ آدمی متعهد می‌شود تا منابع طبیعی را طوری استفاده کند که نه تنها نسل کنونی بلکه نسل‌های آینده نیز بتوانند نیازهای پایه‌ی خود را برآورده سازند. بر پایه اصل قوی عدالت بین نسلی،^۲ انسان از نظر اخلاقی متعهد می‌شود تا منابع طبیعی را طوری استفاده کند که نسل‌های بعدی انتظار داشته باشند به همان سطح از استاندارد زندگی پیشینیان، برسند (آندرس، ۱۹۹۹).

حال که ارتباط بین توسعه پایدار با عدالت بین نسلی و تعهد اخلاقی نسبت به نسل‌های آینده، مشخص شد، باید پاسخ داد که آیا مبانی ارزشی نظام سرمایه‌داری متعارف، توسعه پایدار را محقق خواهد نمود؟

مکتب اصالت فایده یک نظریه نتیجه‌گراست که مطلوبیت اجتماعی را اصل و مبنا قرار می‌دهد و سپس حقوق انسانی را با به کارگیری فرآیند بیشینه سازی مطلوبیت نتیجه‌گیری می‌کند. به عبارت دیگر، در این مکتب آن حقی به رسمیت شناخته می‌شود که مطلوبیت اجتماعی را افزایش

¹ Weak Principle of Intergenerational Justice

² Strong Principle of Intergenerational Justice

بررسی مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری ۱۹۹

دهد و بیشینه کند. بنابراین، این مکتب منافع و مصالح نسل‌های آینده را نمی‌تواند در نظر بگیرد. لذا به توسعه پایدار کمکی نخواهد کرد؛ چرا که این امر مستلزم اعمال محدودیت در بهره‌برداری نسل کنونی از منابع طبیعی و محیط زیست است.

نتایج و بحث

۱. معیار پارتو، نادیده گرفتن حق بهره‌مندی انسان از منابع طبیعی و محیط زیست

همان‌طور که بیشتر بیان شد، معیاری که برای سنجش کارایی تخصیص منابع استفاده شود معیار پارتو نام دارد. از آنجا که تردیدی نیست که تخصیص بر پایه معیار پارتو کمتر محقق می‌شود معیار پارتو بالقوه^۱ ملاک عمل قرار می‌گیرد (والترز و لیارد، ۱۳۸۰). بر پایه این معیار، چنانچه در اثر اعمال یک سیاست عده‌ای سود برند و عده‌ای متضرر شوند، اگر امکان بالقوه جبران زیان افراد متضرر توسط سود بردگان وجود داشته باشد؛ به طوری که در نهایت، باز هم عایدی مثبت برای آنها باقی بماند، آن سیاست به لحاظ اجتماعی قابل اجراست (هلمز، ۱۹۹۵). این معیار، یک معیار نتیجه‌گرا بوده که مایل است برای دستیابی به کارایی، حقوق و ارزش‌های انسانی را نفی کند یا نادیده بگیرد (اریکسون، ۲۰۰۱).

بر پایه مکتب اصالت مطلوبیت و معیار بهینه پارتو، هر کدام از این دو که رفاه اجتماعی را بیشینه کند، به رسمیت شناخته می‌شود. در زمینه منابع طبیعی و محیط زیست نیز عمل به معیار بهینه پارتو سبب می‌شود تا حق بهره‌مندی انسان از محیط زیست پاک و سالم و زیبا نادیده گرفته شود. برای مثال فرض کنید، برای تکمیل شبکه راه آهن لازم است بخش گسترده‌ای از مناطق جنگلی نابود شود در این صورت بر پایه معیار پارتو باید سود و زیان حاصل از این کار محاسبه شود از آن جایی که در محاسبه سود و زیان این اقدام، ارزش‌های پولی ملموس و عادی در نظر گرفته می‌شود، نخست اینکه سود حاصل از لذت بردن انسان‌ها محاسبه نمی‌شود زیرا قابل مشاهده نیست و ثانیاً سود حاصل از وجود جنگل‌ها (برای سلامتی و حیات بشر) قابل محاسبه پولی دقیق نیست و بنابراین هر دو سود بالا نادیده گرفته می‌شود و بدین ترتیب انسان‌ها از حق بهره‌مندی و لذت بردن از محیط زیست پاک و زیبا محروم می‌شوند.

با توجه به مطالب فوق یکی از مهمترین عامل‌های بروز اثرگذاری‌های خارجی و کاهش رفاه جامعه را می‌توان در ریشه‌های فلسفی و اخلاقی اقتصاد سرمایه‌داری جستجو کرد. زیرا این ادعا

¹ Potential Parto Criterion

که در نظام اقتصاد سرمایه‌داری بر پایه آزادی طبیعی انسان؛ آزادی اجتماعی او به رسمیت شناخته شده خالی از اشکال نیست. سید محمد باقر صدر (۱۳۵۷) در بررسی این ادعا بیان می‌کند، یک نظام اجتماعی باید انگیزه‌های مختلف و نیازهای متنوع انسان را مورد توجه قرار دهد و در جهت هماهنگی میان آنها تلاش کند. تأکید روی یکی از نیازهای انسان آن هم در حد صوری بی‌توجهی به نیازهای دیگر از جمله آرامش، اطمینان، تأمین اجتماعی، موجب پریشانی و فشار اقتصادی شده و زندگی او را تباہ می‌سازد. افزون بر آن وعده‌های اصالت آزادی اقتصادی مبنی بر تأمین مصالح عمومی از راه آزادی‌های نامحدود فردی نه تنها هرگز تحقق نمی‌یابد، بلکه در اوج شکوفایی نتایج مصیبت باری نیز به بار می‌آورد (صدر، ۱۳۵۷).

لستر تارو نیز در مورد نظام اقتصاد سرمایه‌داری بر این باور است که؛ تأکید روی سودمندی شخصی موجب می‌شود تا سودمندی‌های جامعه و افق‌های بلندمدت در این نظام نادیده گرفته شود. وی بیان می‌کند که بزرگترین ضعف نظام سرمایه‌داری این است که «هر کس به فکر خویش است». تارو در تحلیل خود به این نتیجه می‌رسد که اصالت فرد به عنوان اصل پایه‌ی نظام اقتصاد سرمایه‌داری با تأمین سودمندی‌های بلندمدت جامعه سازگاری ندارد:

«اگر قرار باشد که سرمایه‌داری در بلندمدت کارآمد باشد، باید سرمایه‌گذاری‌هایی بکند که سودمندی شخصی فردی هیچکس را تأمین نمی‌کند بلکه سودمندی بلندمدت جامعه انسانی را در بردارد. یک آموزه مبنی بر فردگرایی افراطی که افق دید آن کوتاه است چگونه می‌تواند منافع جمعی بلندمدت را مورد تأکید قرار دهد؟» (تارو، ۱۳۷۶). بنابراین در نظام اقتصادی متکی بر اصالت فرد جایی برای ارزشهایی که سودمندی‌های نظام را در بلندمدت تضمین کند وجود ندارد. همچنین بر پایه مکتب اصالت فایده تنها هدف و انگیزه زندگی کوشش برای رسیدن به بیشینه بهره‌مندی و مطلوبیت است و بنابراین نمی‌توان فردی را که تنها به سودمندی خود می‌اندیشد و در برابر دیگران هیچ مسئولیتی احساس نمی‌کند را از بهره‌برداری آژمندانه منابع طبیعی و محیط زیست منصرف کرد و چنانچه نهادهای رسمی حقوقی و قانونی برای رویارویی با چنین وضعی شکل گرفته باشند، او تا جایی که نتواند از چشم قانون پنهان شود، مقررات را رعایت می‌کند زیرا در غیر این صورت منافعش به خطر می‌افتد.

با چنین نگرشی، راه هرگونه رعایت عدالت و انصاف در حق دیگران و ارزشمند دانستن محیط زیست و منابع طبیعی بسته می‌شود. زیرا در این صورت ارزش‌های اخلاقی تنها هنگامی به رسمیت شناخته می‌شوند که برای منافع فرد سودمند باشد.

۲۰۱ بررسی مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری

۲. انعکاس مبانی ارزشی نظام اقتصادی اسلام با تاکید بر فرضیه‌های علم اقتصاد

اکنون نوبت آن است که با تبیین مبانی ارزشی نظام اقتصادی اسلام، نظر آن را بر چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط زیست بررسی کرد. برخلاف نظام اقتصاد سرمایه‌داری که در آن بحث توزیع به سهم صاحبان عامل‌های تولید از محصول متمرکز می‌شود، نظام اقتصاد اسلام به توزیع منابع پیش از تولید، مالکیت ثروت‌های طبیعی، حقوق افراد، جامعه و دولت نسبت به آن می‌پردازد. از دیدگاه اسلام ریشه اصلی چالش‌های اقتصادی در توزیع ناعادلانه و سهل‌انگاری در استفاده صحیح از منابع طبیعی است. در توزیع نظام اقتصاد اسلام قبل از اینکه به تعیین سهم عامل‌هایی که در تولید مشارکت دارند بپردازد، مسئله توزیع ثروت‌های طبیعی را مورد توجه قرار می‌دهد. احکام مالکیت عمومی و دولتی در مورد ثروت‌های طبیعی و چگونگی بهره‌برداری افراد از آن را مطرح می‌کند. در این نظام ثروت‌های طبیعی در مالکیت عمومی قرار دارند و به مالکیت فردی در نمی‌آیند و حق بهره‌برداری افراد از آنها محدود به رفع نیاز و مشروط به مباشرت مستقیم به انجام کار است (نمازی، ۱۳۸۶). در واقع نظام اقتصاد اسلام با بهره‌مندی از داده‌های وحیانی از همان آغاز با به رسمیت شناختن حقوق مالکیت افراد کنار مالکیت دولتی و مالکیت عمومی، ضمن تقویت دولت در تعقیب توسعه پایدار، امکان بهره‌مندی افراد را نیز از ثروت‌های طبیعی فراهم آورده است (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۵). در این رابطه قرآن کریم، انسان را به بهره‌گیری از منابع طبیعی فرا خوانده و می‌فرماید: روی زمین راه بروید و روزی بگیرید. لازمه این فرمان تلاش برای استخراج معادن، کشاورزی و بهره‌گیری از مواد خام طبیعت است. عمل به این دستور کار آسانی نیست بلکه نیاز به تلاش و همت جدی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

البته برخلاف اقتصاد سرمایه‌داری که در آن مصرف‌کننده حاکمیت دارد در نظام اقتصادی اسلام بر مبنای موازین اسلامی این مصالح فرد و جامعه است که اصالت داشته و حکومت می‌کند؛ مصلحت یک مفهوم ارزشی است که با مفهوم سعادت دنیا و آخرت ارتباط مستقیم دارد. هر چیزی که به سعادت فرد بینجامد مصلحت او است و در غیر این صورت برایش مفسده دارد. در مورد جامعه نیز چنین است اما سعادت فرد از دیدگاه اسلام در نگرش توأمان به دنیا و آخرت و بیشینه کردن مجموع لذت‌های مادی و معنوی است (میرمعزی، ۱۳۸۰). از طرف دیگر علم اقتصاد که از شاخه‌های علم اجتماعی است علم تخصیص بهینه منابع کمیاب به منظور تولید کالاها و خدمات مورد نیاز بشر به منظور مصرف در حال و آینده در جهت رفاه بشر است (فرجی، ۱۳۹۰) پس هر چیزی که بر مجموع این لذت‌ها و رفاه بشر بیفزاید به مصلحت فرد است. همچنین جامعه

سعادت‌مند از دیدگاه اسلام جامعه‌ای است که در آن همه افراد به بالاترین هدف‌های معنوی و پس از آن مصالح مادی رسیده باشند.

از طرف دیگر، در اسلام اعتلای معنوی انسان‌ها هدف نهایی به شمار آید و اهداف امنیت، رشد و عدالت اقتصادی به عنوان هدف‌های میانی در نظر گرفته می‌شوند (میر معزی، ۱۳۸۰). برای رسیدن به این هدف‌ها، اسلام در حوزه رفتارهای اقتصادی، حدودی را برای کسب و صرف درآمد تعیین کرده است که آزادی فردی و حق مالکیت افراد را مقید و محدود می‌کند. بر این پایه آزادی فردی و حق مالکیت مشروع افراد تا جایی به رسمیت شناخته می‌شود که به جامعه و نسل آتی زیان وارد نسازد (نمازی، ۱۳۸۶). همچنان که تئوریهای متعددی پیرامون مساوات و عدالت وجود دارند، برخی از آنها در رابطه با موضوع چگونگی توزیع خوبی و بدی بین نسل‌های انسان به کار برده می‌شوند و برخی بر این مدعی‌اند که مردم در کنار یکدیگر گرد می‌آیند تا قوانینی را برای سلوک اجتماعی تدوین کنند زیرا این امر برای آنان سوددهی دوجانبه دارد (ترنر و همکاران، ۱۳۷۹: ۴۵). افزون بر این قانون سرمایه ثابت برای توسعه اقتصادی پایدار ما را وادار به اتخاذ موضع شخصی برپایه برابری (عدالت) در توزیع امکانات و نعمات بین افراد اجتماع و در طی زمان می‌کند (ترنر و همکاران، ۱۳۷۹). افزون بر موارد بالا، در اسلام اصول ذیر نیز با بحث بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط زیست ارتباط دارند: (میر معزی، ۱۳۸۰)

۱- اصل نفی ضرر: قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» که فقیهان برای اثبات اصل نفی ضرر به آن استناد می‌کنند، بدین معنا است که ضرر و ضرار در اسلام وجود ندارد و بر این پایه نخست اینکه هیچ کس حق ندارد حقوق دیگران را ضایع کند و دوم اینکه حقی که احقاق آن باعث وارد شدن زیان و آسیب به حقوق دیگران شود از دید اسلام ساقط است.

۲- اصل عدالت: عدالت یعنی حق هر صاحب حقی به او اعطا شود و هر چیزی در جایگاه شایسته اش قرار گیرد. در اهمیت اجرای عدالت قرآن کریم در سوره حدید آیه ۲۵ هدف بعثت انبیاء را اقامه قسط و عدل بیان می‌کند. همچنین حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «صلاح امور مردم ممکن نیست مگر با عدالت» (نهج البلاغه: ۴۰۰). بنابراین اهتمام اسلام به اجرای عدالت یعنی اهتمام به استیفای حق هر صاحب حقی، به عنوان مصلحت افراد و جامعه می‌باشد.

با بررسی متون اسلامی و از جمله نظریه‌های محمدباقر صدر این نتیجه حاصل می‌شود که تئوری عدالت اسلام دارای متغیر کانونی چندوجهی است. برای مثال بر برابری در فرصت‌ها، آزادی برابر، عدالت و برابری در توزیع امکانات اولیه و منابع تأکید می‌شود (پاسبانی، ۱۳۸۲).

بررسی مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری ۲۰۳

۳- اصل پذیرش دخالت منطقی دولت: برای قوام هر اجتماع و برای آنکه عدالت در جامعه به طور کامل پیاده شود نیاز به حکومت است. حضرت علی(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «اگر نبود یک میثاق الهی که حق مظلوم را بگیرم، بر شما حکومت نمی‌کردم.» یعنی حکومت برای اقامه حق است. از آنجایی که در اسلام هم فرد و هم جامعه اصالت داشته و هر دو دارای حقوقی قطعی برخوردار هستند، استیفای این حقوق در صورت لزوم بر عهده حکومت است.

بر پایه نظام ارزشی اقتصاد اسلام، نتایج ذیر مرتبط با منابع طبیعی و زیست محیطی می‌باشند:

الف- ایجاد نشدن اثرگذاری های خارجی منفی زیست محیطی و یا کاهش قابل ملاحظه آنها در نظام اقتصادی اسلام، نخست اینکه ارتباط و وابستگی مطلوبیت فرد با افراد دیگر، یک قاعده مبنایی به شمار آید. این وابستگی نه تنها به جهت احساس خشنودی و رضایت درونی انسان از انجام کارهای خیر و احساس گناه از انجام کارهای زشت و بد است؛ بلکه مهم تر از آن اینکه، سعادت یک فرد به کسب لذت‌های اخروی وابسته است و دستیابی به این لذت‌ها جز با اطاعت امر خداوند در مراعات حق الله و حق الناس میسر نیست. بنابراین یک انسان معتقد می‌داند که اگر به حق تجاوز نکند و آن را محترم شمرد؛ در عین حال که باعث افزایش مطلوبیت آن شخص می‌شود به رضای خداوند و لذت‌های اخروی نیز خواهد رسید؛ هر چند که از بخشی از منافع مادی دست بردارد. زیرا منافع مادی که از دست می‌دهد قابل قیاس با منافع اخروی که کسب می‌کند نیست بنابراین با مراعات حقوق دیگران و افزایش مطلوبیت آنها مطلوبیت او نیز افزایش می‌یابد.

روایت های فراوان در مدح برطرف کردن دیگران و در مذمت بی‌اعتنایی نسبت به احوال دیگران، همگی مؤید قاعده مبنایی ارتباط مطلوبیت افراد به یکدیگر است و رفتارهای مبتنی بر اخلاق را تا حد زیادی تقویت می‌کند. بنابراین بر پایه توصیه‌های اسلام، فرد طوری باید عمل کند که تا حد امکان اثرگذاری های خارجی منفی ایجاد نشود؛ چون در غیر این صورت مطلوبیت خودش کاهش خواهد یافت (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

دوم اینکه در زمینه مسائل زیست محیطی رسیدن به بیشینه بهره‌مندی و رفاه دنیوی نیز مستلزم رعایت اخلاقیات زیست محیطی توسط تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. زیرا اگر قرار باشد که هر تولید کننده یا مصرف کننده برای رسیدن به بیشینه بهره‌مندی فردی مادی و کوتاه مدت خود، محیط زیست را آلوده کند، در میان مدت و بلند مدت با کاهش رفاه حاصل از آلودگی و نابودی محیط زیست روبرو خواهد شد. زیرا پیامدهای ناهنجاری در محیط زیست، همه افراد

جامعه را کم و بیش در معرض خطر قرار می‌دهد. بنابراین مراعات اخلاقیات زیست محیطی حتی به قیمت کاهش سود و مطلوبیت کوتاه مدت با هدف بیشینه کردن سودمندی شخصی منافات ندارد.

ارزش‌هایی چون حسن ظن، نوع دوستی؛ خیانت نکردن، وفای به عهد، قناعت و... که در مکتب‌های اخلاقی و به ویژه در مکتب اخلاقی اسلام مورد سفارش قرار گرفته، می‌تواند زمینه ایجاد تفاهم جمعی و ایجاد اعتماد متقابل بین افراد جامعه را نسبت به عملکرد فرد دیگر در قبال حفاظت از محیط زیست و مراعات اخلاقیات زیست محیطی فراهم آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۶). بحث اخلاقی که مطرح می‌شود این است که نسل‌های آینده این حق دارند تا از میراثی کافی (به شکل سرمایه طبیعی / سرمایه فیزیکی / سرمایه انسانی) بهره‌مند شوند به گونه‌ای که آنان را قادر به تامین سطحی از رفاه و خوشبختی نسبی معادل با نسل‌های کنونی بشر بگرداند. به طور رسمی آنچه مورد نیاز است قرارداد اجتماعی بین نسل‌ها^۱ است که فرصت‌هایی همسان با گذشته برای آیندگان فراهم آورد. بنابراین "به فکر دیگران بودن" یک موضوع مهم اخلاقی در اقتصاد سبز، سیاست سبز و بحث پایداری است. به نظر می‌رسد برای آن که توسعه پایدار از لحاظ اخلاقی با ثبات باشد، نیاز دارد که سطح زندگی اقشار کم درآمد جامعه را بهبود بخشیده و در عین حال مراقب باشیم که سرمایه نسل‌های آینده دچار آسیب و زیان جدی نشود (عدالت دورن نسل‌ها و بین نسل‌ها)^۲ (ترنر و همکاران، ۱۳۷۹).

سوم اینکه در صورتی که با ایجاد اثرگذاری‌های خارجی منفی زیست محیطی توسط یک فرد یا بنگاه، حقوق افراد دیگر یا جامعه مورد تعرض قرار گیرد، دولت مردم سالار اسلامی از ناحیه مردم و خداوند، موظف است با دخالت خود استیفای حق کند؛ زیرا بر طبق اصل نفی ضرر ایجاد اثرات خارجی منفی بدون جبران ممنوع است و اصل عدالت ایجاب می‌کند که حقوق تضییع شده استیفا شود. تردیدی نیست که صاحبان قدرت وظیفه‌ای سنگین‌تر دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۶). فرضیه‌های اقتصادی نیز بیان می‌کنند در مواردی که اثرگذاری‌های خارجی منفی وجود داشته باشد دولت‌ها به عنوان برطرف‌کننده یا کاهش‌دهنده اثرات، وارد عرصه اقتصاد می‌شوند و مقدار تولید این نوع کالاها را به بهینه اجتماعی نزدیک تر می‌کنند. به عنوان مثال دولت با گرفتن مالیات از کارخانه تولیدکننده آلودگی و یا استقرار معیارهای زیست محیطی، بازدارنده تولید بیش از حد آلودگی می‌شود (فرجی، ۱۳۹۰) و (سوری و ابراهیمی، ۱۳۸۵).

^۱ Intergenerational Social Contract

^۲ Intragenerational and Intergenerational Equity

بررسی مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری ۲۰۵

بنابراین بر طبق اصل دخالت منطقی، دولت موظف است مداخله کرده و عدالت را اجرا کند. تفاوت دخالت دولت در مکتب اصالت فایده با دخالت دولت در نظام اقتصادی اسلام این است که بر پایه دیدگاه اصالت فایده، حقوق نسبی است و آن حقی به رسمیت شناخته می‌شود که رفاه جامعه را بیشتر کند و اصطلاحاً به قول رونالد کوز در تراحم میان حقوق، حق می‌بایست به کسی داده شود که از نظر اقتصادی مقرون به صرفه باشد. مطابق این دیدگاه ممکن است ایجاد یک اثرگذاری خارجی منفی تجویز شود هر چند که حقوق افراد دیگر یا حقوق محیط زیست ضایع شود؛ اما از نظر اسلام حقوق، مطلق می‌باشد بدین معنا که حقوق هر یک از افراد و موجودها و حقوق جامعه مشخص و محترم است. با توجه به این که اسلام یک مکتب عدالت محور است و نه یک مکتب نتیجه‌گرا و رفاه طلب، بنابراین ضمن وجود نظارت‌های فردی و اجتماعی بر عملکردها، در شرایطی که با این وجود، حقی ضایع شود، دولت مردم‌سالار اسلامی، موظف به دخالت و احقاق حق است. بنابراین در شرایط ایجاد اثرگذاری‌های خارجی منفی، دولت با مداخله خود مانع ایجاد اثرگذاری‌ها منفی می‌شود (پاسبانی، ۱۳۸۷).

البته در بسیاری موارد دولت‌ها خود عامل تخریب و انحطاط محیط زیست و منابع طبیعی می‌باشند. در عین اینکه تصور بر آن است که اقدام‌های دولت‌ها بایستی بسیار درست و بهینه باشند اما در نظر نمی‌گیریم که سیاست‌های دولت که در ظاهر ارتباطی با محیط زیست ندارند، می‌توانند خساراتی بر محیط زیست وارد آورند. این را "ناکامی دولت در رویارویی با مسائل زیست محیطی" گویند (ترنر و همکاران، ۱۳۷۹). بدیهی است از آنجایی که بازارها نیز در این ارتباط ناموفق می‌مانند، بنابراین سیاست کلی باید مبتنی بر یافتن توازن مناسبی بین بازارها و مداخله‌های دولتی باشد.

ب- تحقق توسعه پایدار:

خداوند در آیه ۱۰ سوره الرحمن که می‌فرماید: «و الارض وضعها للانام»، بازگو کننده این مطلب است که بهره‌برداری از زمین و هر چه در آن است به همه انسان‌ها (در همه زمان‌ها) تعلق دارد. به عبارت دیگر همه انسان‌ها در همه زمان‌ها نسبت به منابع طبیعی دارای حق هستند و نسل کنونی نمی‌تواند از منابع طبیعی طوری استفاده کند که حق آیندگان ضایع شود. اصل ۵۰ قانون پایه جمهوری اسلامی ایران نیز به صورت تلویحی این حق نسل‌های آینده را به رسمیت شناخته و با همگانی دانستن وظیفه محافظت از محیط زیست و ممنوع کردن آلودگی و تخریب آن، راه را برای مداخله منطقی دولت هموار کرده است. بنابراین تک تک افراد این نسل نسبت به

بهره‌برداری منصفانه و عادلانه از منابع طبیعی و محیط زیست متعهد و در قبال نسل‌های آینده مسئولیت دارند. در نتیجه رعایت نکردن شرایط توسعه پایدار در بعد فردی به منزله تخطی از ادای مسئولیت و انجام وظیفه به شمار آید که مطلوبیت انسان متدین را کاهش خواهد داد. در بعد بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط زیست نیز بین نسل حاضر و نسل‌های آینده ارتباطی را فراهم می‌آورد تا امکان استیفای حق توسط آیندگان نیز فراهم شود. بدین ترتیب چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، فعالیت‌های اقتصادی به سمت شکل‌گیری توسعه پایدار سوق پیدا خواهد کرد.

از سوی دیگر در فرضیه اقتصاد محیط زیست، قوانین و قواعدی برای بهره‌برداری پایدار از اندوخته سرمایه‌های طبیعی عنوان شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- اصلاح بازار و دخالت‌های نابجا از طریق قیمت‌گذاری موثر، به عنوان مثال وضع مالیات بر آلودگی و مشخص کردن حقوق مالکیت از مطلوب‌ترین ابزار سیاستی در این رابطه است.
- حفظ ظرفیت بازسازی و احیاء سرمایه‌های طبیعی تجدیدشونده^۱ (RNC) و جلوگیری از بروز آلودگی‌های بیش از حد که ظرفیت‌های جذب ضایعات و سامانه‌های تامین حیات را به خطر می‌اندازند.

- تغییرپذیرهای فناورانه بایستی تحت مدیریت و کنترل یک نظام برنامه‌ریزی مشخص قرار گیرند.
- نرخ بهره‌برداری از سرمایه‌های طبیعی تجدیدشونده بایستی با نرخ ایجاد و بازسازی (همچنین بازیافت) آنها برابر باشد.

- مقیاس کلی فعالیت‌های اقتصادی باید محدود شود به گونه‌ای که در محدوده‌ی ظرفیت سرمایه‌های طبیعی باقی مانده قرار گیرد (ترنر و همکاران، ۱۳۷۹).

ج- بهره‌مندی و لذت انسان از محیط زیست سالم

اسلام برای موجودهای غیر انسان از جمله گیاهان، حیوانات و حتی جمادها نیز حقوقی در نظر گرفته است که انسان علی‌رغم اشرف مخلوقات بودنش، موظف به رعایت آنها می‌باشد. به عنوان مثال در تعالیم دینی آمده است که: زنبور عسل را نکشید، به لانه حیوانات حمله نکنید و یا از بریدن درختان و آلوده کردن آنها خودداری کنید. (جوادی آملی، ۱۳۸۶). این رهنمودها بر حقوق حیوانات، گیاهان و رودخانه‌ها دلالت دارد. هر جا حقی است تکلیفی نیز وجود دارد. بنابراین در برابر حقوق حیوانات، گیاهان و رودخانه‌ها و به طور کلی در برابر حقوق محیط زیست، انسان‌ها

¹ Renewable Natural Capital

بررسی مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری ۲۰۷

مكلف به رعایت این حقوق هستند. بدون شك در کنار چنین نقطه نظرات اخلاقی و احساس تعهد در مقابل حقوق اکوسیستم‌ها و گونه‌های موجودات، می‌توان منافع اقتصادی همچون ارزش‌های غیرمصرفی (ارزشهای غیر مستقیم) را برآورد نمود. ارزش‌های غیرمصرفی یا ارزش‌های حفاظتی^۱ خود به سه ارزش انتخاب^۲، ارزش وجودی^۳ و ارزش میراثی^۴ تقسیم‌بندی می‌شود. توانایی منابع طبیعی در جذب و تجزیه کربن هوا، جلوگیری از فرسایش خاک، کنترل سیلاب، تنظیم آب و هوا، خدمات آبخیز، تولیدات گیاهی و تنوع زیستی جز ارزش‌های غیرمستقیم هستند (امیرنژاد، ۱۳۸۶).

ارزش انتخاب شاخصی از درجه ترجیح یا تمایل به پرداخت افراد برای حفظ منابع طبیعی در برابر استفاده احتمالی در آینده ناشی می‌شود. ارزش وجودی و یا همان ارزش ذاتی یک منبع طبیعی تمایل به پرداخت مردم برای حفاظت منابعی که هیچ قصدی برای استفاده آن ندارند، می‌باشد. ارزش میراثی تمایل به پرداخت افراد جهت حفظ منابع طبیعی و محیط زیست برای مسوومندیت نسل‌های آینده است. بنابراین بهره‌برداری توسط نسل کنونی باید سازگار و هماهنگ با مقررات و برنامه‌های تدوین شده و با هماهنگی سازمان‌های ذیربط و توجه کامل به ارزش‌های بی‌مانند محیط زیستی آن انجام پذیرد (فتاحی، ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اکنون که مبانی ارزشی نظام اقتصادی سرمایه‌داری و نظام اقتصادی اسلام، که به نوعی با منابع طبیعی و محیط زیست در ارتباط هستند، بررسی و تبیین شد، مشخص می‌شود که:

۱. در زمینه منابع طبیعی و محیط زیست نیز عمل به معیار بهینه پارتو سبب می‌شود تا حق بهره‌مندی انسان از لذت‌های مادی و معنوی محیط زیست سالم، نادیده گرفته شود.
۲. از مهمترین عوامل بروز اثرگذاری‌های خارجی و کاهش رفاه جامعه را می‌توان در ریشه‌های اخلاقی اقتصاد سرمایه‌داری یافت چرا که در نظام اقتصادی متکی بر اصالت فرد، افراد را نمی‌توان از بهره‌برداری بی‌رویه منابع طبیعی منصرف کرد؛ بدین ترتیب جایی برای ارزش‌هایی که منافع نظام را در بلندمدت تضمین کند وجود ندارد و همچنین شایان پیش‌بینی است که با چنین نگرشی، رشد و توسعه اقتصادی به پایداری منتهی نخواهد شد.

¹ Preservation Values

² Option Value

³ Existence Value

⁴ Bequest Value

۳. بر خلاف اقتصاد سرمایه‌داری در نظام اقتصاد اسلام حقوق انسان‌ها و منابع طبیعی وابسته به اموری همچون اصالت فایده و بهینه پارتو نیست؛ بلکه رشد، اجرای عدالت و اعتدالی لذت‌های مادی و معنوی انسان‌ها از هدف‌های اصلی این نظام به شمار می‌آید. همچنین نظام اقتصادی اسلام اجازه نمی‌دهد که به بهانه افزایش رفاه جامعه، محیط زیست نابود شده و حق بهره‌مندی دیگر انسان‌ها و نسل‌ها از طبیعت ضایع شود.

۴. نظام اقتصادی اسلام در زمینه بهره‌برداری منصفانه و عادلانه از منابع طبیعی و محیط زیست گامی بزرگ برمی‌دارد و با برقراری ارتباط بین نیازهای حال و آینده، امکان تحقق توسعه پایدار و استیفای حقوق انسانی را فراهم می‌کند.

بنابراین اکنون که به رغم راهکارهای پرشمار اقتصادی متعارف، روند تخریب محیط زیست همچنان ادامه داشته و روشن شده است که جدایی اخلاق و اقتصاد به هر دو آسیب می‌رساند (آمارتیا سن، ۱۳۷۷)، لازم است تا با تأکید بر آموزه‌های ارزشی و هنجاری نظام اقتصادی اسلام، دولت و بازار به شایستگی تدبیر امور کرده و از منابع طبیعی و محیط زیست محافظت کنند. بی‌تردید، درجه تحقق این امر، مستلزم تبدیل هر چه بیشتر این آموزه‌های ارزشی و فرهنگی و دینی به فرهنگ عمومی جامعه و سیاستی مبتنی بر توازن مناسب بین بازارها و مداخله‌های دولتی می‌باشد. با توجه به نتایج یاد شده، گرچه دولت مالک منابع است یا منابع تحت نظارت او قرار دارد، به معنای این نیست که خود تصدی بهره‌برداری از منابع را عهده‌دار شود؛ بلکه می‌تواند از راه‌های گوناگون همچون مشارکت، اجاره، احیا و ... این کار را به بخش خصوصی واگذارد. بدیهی است در این واگذاری‌ها، با توجه به ارزش‌های نهادی نظام اقتصاد اسلام، در نظر گرفتن مصالح مسلمانان، اصل پایهی است و به همین جهت نیز همواره حق نظارت برای دولت باقی می‌ماند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- شهیدی، س. ج. (۱۳۷۸) نهج البلاغه. تهران، علمی و فرهنگی، چهاردهم.
- امیرنژاد، ح. (۱۳۸۶) اقتصاد منابع طبیعی. انتشارات جاودانه، جنگل.
- پاسبانی، ا. (۱۳۸۷) چیستی پایه قاعده مسئولیت در موضوع اثرگذاری‌ها جانبی؟ (اخلاق، عدالت، اقتصاد). سمینار ملی اخلاق در اقتصاد.

بررسی مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری ۲۰۹

پرمن، ر. مک‌گیل، ر. و جیمز، ما، ی. (۱۳۸۲) اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی. ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی.

پژویان، ج. (۱۳۷۲) اقتصاد بخش عمومی. تهران. جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
ترنر، آر.ک. پیرس، دی. و باتمن، ای. (۱۳۷۴) اقتصاد محیط زیست. ترجمه سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی، علی کلاهی، انتشارات مشهد، دانشگاه فردوسی.

جوادی آملی، ع. (۱۳۸۶) اسلام و محیط زیست، قم، مرکز نشر اسراء، اول.
سن، آ. (۱۳۷۷) اخلاق و اقتصاد. ترجمه حسن فشارکی، تهران، شیرازه.
سوری، ع. ابراهیمی، م. (۱۳۸۵) اقتصاد منابع طبیعی و محیط زیست. چاپ دوم، انتشارات نور علم همدان.

صدر، س.م.ب. (۱۳۵۷) اقتصادنا، جلد ۲. ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، تهران، انتشارات اسلامی.
فناحی، ا. (۱۳۹۲) ارزش گذاری اقتصادی منابع طبیعی در خشک بوم، مطالع موردی منطقه چک‌چک یزد، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۲۱، شماره ۸۲.
فراهانی‌فرد، س. (۱۳۸۵) بهره‌برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام. مجله اقتصاد اسلامی. سال ششم.

فرجی، ی. (۱۳۹۰) تئوری اقتصاد خرد. موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
کوز، رونالد اچ. (۱۳۸۴) مسأله هزینه اجتماعی. ترجمه جهانگیر سهراب‌زاده، فصلنامه علمی تخصصی تکاپو شماره ۱۱ و ۱۲، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد.
لسترت، (۱۳۷۶) آینده سرمایه‌داری. ترجمه عزیز کیاوند، تهران، انتشارات دیدار.
لیارد، پی.آر.جی. والترز، ا.ا. (۱۳۸۷) تئوری اقتصاد خرد. ترجمه عباس شاکری، انتشارات تهران، چاپ پنجم.

مصباح یزدی، م. (۱۳۷۸) جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
میرمعزی، س.ح. (۱۳۸۰) نظام اقتصادی و مسائل زیست محیطی. تهران، سازمان حفاظت محیط زیست.

نمازی، ح. (۱۳۸۶) نظام‌های اقتصادی. شرکت سهامی انتشار، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ چهارم.

یوسفی، ا. ع. (۱۳۸۹) بررسی تطبیقی اقتصاد تعاونی با اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۳۷.

- Anders, m. (1999) Reflexive equilibrium as a Method for Analyzing the ethical problems of Assessing Environmental Impact . Linkoping university –uastra working paper 16, page 8.
- Environmental Production Organization (2014) < <http://www.doe.ir> >.
- Eriksson, Ralf(2001), on the Ethics of Environmental Economics, Abo Akademi University- Abo , Finland, page 14.
- Holmes, Thomas, Kramer Randall(1995), “Economic Values , Ethics and Ecosystem Health” , Southern Research Station, u.s. forest service 1th international symposium on ecosystem health and medicine and Duke University, page 3, www.srs.usda.gov
- McMullen, S. and Molling, D. (2013) Environmental Ethics, Economics, and Property Law, Prepared for the 2014 ASSA Meetings in Philadelphia.
- Turner , kurry (1999) Environmental and ecological economics perspectives. handbook of environmental and resource Economics, [www.eurocolecon .org](http://www.eurocolecon.org).